

نقش آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای

در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بعنوان یک آسیب اجتماعی

معاونت آموزش

دفتر کاهش آسیبهای اجتماعی

زنان از جمله اقشار آسیب‌پذیر در جامعه هستند که در این میان زنان سرپرست خانوار بیش از سایر زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که به دلایل متعدد از جمله فوت همسر، متارکه، طلاق، از کارافتادگی همسر، مفقود الاثر بودن همسر و... سرپرستی خانواده خود را برعهده گرفته‌اند. آنها علاوه بر نقش مادری و وظیفه سنگین پدری را نیز عهد‌دار شده‌اند. در اکثر جوامع مسئولیت تامین مخارج زندگی و وظیفه مرد است و مرد سرپرست و محور اصلی خانواده است که با رفتن مرد از زندگی - به هر دلیل - این بار سنگین بدوش زن خانواده می‌افتد. زنی که تاکنون در نقش همسر و مادر ایفای وظیفه کرده حال باید نقش پدر و نان آور خانواده را بعهده گیرد.

انواع زنان سرپرست خانوار شامل: زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند و یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می‌کنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران مردان از کارافتاده و سالمند می‌شود. این وضعیت جدید و وظایف دشوار و متعددی که به اجبار به زنان محول می‌شود مانند تربیت فرزند، رسیدگی به امور منزل، تامین نیازهای روحی، روانی، مادی فرزند، تامین هزینه مسکن و غیره آنها را با مسائل و مشکلات بی‌شماری روبرو می‌کند و فشارها و تنشهایی بیش از حد توان و ظرفیتشان به آنها وارد می‌کند که به مرور آنها را به سمت انواع ناراحتی‌های روحی و روانی سوق می‌دهد. بررسی وضعیت سلامت جسمانی و روانی زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد که آنها در مقایسه با سایر زنان از سلامت جسمانی و روانی کمتری برخوردارند و با انواع بیماریهای روحی مانند اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، انزوایطلبی، وسواس و غیره دست و پنجه نرم می‌کنند. همچنین از درد های جسمانی متعددی رنج می‌برند که منشا اکثر آنها روحی و روانی است. با توجه به اینکه این گروه وظیفه تامین معاش زندگی را نیز عهده دار می‌باشند لازمه آن داشتن شغلی مناسب با درآمد مکفی و بدور از هیاهوهای اجتماعی و مهارت‌های فنی و حرفه ای و شغلی جهت اشتغال است پس عمده مشکلات آنها نداشتن مهارت و توانمندی لازم جهت شروع به کار و یا ادامه آن می‌باشد لذا به منظور توانمندسازی زنان سرپرست خانوار جهت اهراز شغل مناسب فراگیری آموزشهای مهارتی فنی، شغلی و کسب و کار حائز اهمیت بوده و در همین راستا سازمانهای آموزشی به ویژه سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور می‌تواند با ارائه دوره های مختلف آموزشی نقش مهمی در آموزش و مهارت اندوزی این افراد جهت ورود به بازار کار داشته باشد.

تعاریف و مفاهیم :

– سرپرست خانوار

براساس تعاریف مرکز آمار سرپرست خانوار، عضوی از خانوار است که اعضای خانوار وی را به این عنوان معرفی می کنند. در مواردی که اعضای خانوار کسی را بعنوان سرپرست معرفی نکنند، مسن ترین فرد به عنوان سرپرست خانوار شناخته می شود. سرپرست خانوار لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد. در خانوارهای یکنفره، همان فرد سرپرست خانوار به شمار می آید. سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تامین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد.

– زنان سرپرست خانوار:

زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند. و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می شود که مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را به دوش دارد و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی به عهده اوست.

طبقه بندی زنان سرپرست خانوار

الف- زنان بی سرپرست:

زنان بی‌همسر به کلیه زنانی اطلاق شده که به دلایل مختلف از جمله فوت همسر، طلاق و رهاشدگی، مجرد زندگی می کنند. زنانی که به دلایل مختلف همسرانشان را از دست می‌دهند یا از همسرانشان جدا می‌شوند به یکباره با جهان دیگری روبه‌رو می‌شوند که با مشکلات زیادی مواجه هستند زنان بیوه حتی اگر هم بخواهند سالم زندگی کنند در صورت محتاج بودن، شرایط اقتصادی به او اجازه نمیدهد. علاوه بر اینها زنان بیوه از نظر عاطفی هم دچار مشکل هستند.

ب- زنان بد سرپرست:

عنوان زنان بدسرپرست به زنانی اطلاق می شود که شامل همسران مردان معتاد، زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان از کار افتاده بر اثر حوادث ناشی از کار و یا همسران مردان ناسازگاری باشد. زنان بدسرپرست به نوعی از حمایت سرپرست خانواده برخوردار نیستند و حضانت فرزندان نیز بر عهده آنهاست که به دلیل بدسرپرستی زیان‌مند توجه ویژه دولت هستند.

ج- زنان خودسرپرست:

قوانین این زنان را به دو دسته عمده تقسیم می‌کند که عبارتند از:

1- زنان دارای درآمد: شامل زنان شاغل، بازنشسته و زنان وظیفه‌بگیر . در واقع قوانین مرتبط به نوعی این زنان را به عنوان سرپرست خانوار می‌شناسد پس به دلیل تمکن مالی مشمول قوانین حمایتی قرار نمی‌گیرند.

2- زنان بدون درآمد: شامل تمام زنانی می‌شود که به دلیل عدم تمکن مالی مشمول قوانین حمایتی قرار می‌گیرند و به عنوان زنان بی‌سرپرست در قوانین یاد می‌شوند.

قوانین مصوب بیشتر سعی در ایجاد راهبرد حمایتی از این زنان (دارای درآمد یا بدون درآمد) را دارند ولی ماده قانونی مشخصی برای پر کردن خلأ عاطفی این زنان وجود ندارد در حالی که یکی از دغدغه‌های تمام این زنان ترس از تنهایی خود در آینده است.

وضعیت آماری زنان سرپرست خانوار در ایران:

از زمان زیست انسان بر روی کره زمین ورشد جمعیت و نسلها بر روی آن همواره جمعیت زنان بی سرپرست و یا خود سرپرست به دلایل مختلف از جمله جنگ، تصادفات ، غارت ، قتل ، عوامل طبیعی و غیر مترقبه و... روبه افزایش بوده و این موضوع خاص کشور مانعست بلکه چتر این پدیده در سراسر جهان گسترده شده است که حاصل آن شکستن ستون های خانواده و از دست دادن همسر و به وجود آمدن پدیده بی سرپرستی و یا خودسرپرستی و یا سرپرستی خانواده بود ه و چون مسئولیت اداره زندگی خود و یا فرزندان بر عهده این قشر (زنان سرپرست خانوار) می باشد ا این مسئولیت ها در اغلب موارد در شرایطی به این زنان تحمیل می شوند که در طول زندگی خود آموزشی برای پذیرش آن ندیده اند و هیچ گونه آمادگی برای مواجه شدن با آن را ندارند.

در اکثر این خانواده ها مادران به لحاظ سطح سواد، مهارت و سرمایه در وضعیت مناسبی قرار ندارند و فرزندان آنها به عنوان یکی از آسیب پذیر ترین قشر های جامعه آماج محرومیت هایی قرار می گیرند که بقا و رشد آنها را مورد تهدید جدی قرار می دهد. از طرفی کمبود ها و فقر ، فشار مضاعفی را بر این گونه خانواده ها تحمیل کرده و موجب افزایش انواع نا هنجاریها گردیده و سلامت آنها و در نهایت سلامت جامعه را به خطر می اندازد.

در ایران هر سال 60 هزار زن بی سرپرست می‌شوند. "بر اساس تحقیقات به عمل آمده و به گفته آقای دکتر براتی رئیس یکی از مسئولین سازمان بهزیستی به طور کلی از مجموع 17 میلیون و 353 هزار خانوار کشور، 15 میلیون و 712 هزار خانواده سرپرست مرد دارند و یک میلیون و 640 هزار نفر زن سرپرست هستند، طی 10 سال گذشته تعداد خانواده‌های زن سرپرست با رشد 58 درصدی نسبت به رشد 38 درصدی خانواده‌های مرد سرپرست، افزایش بیشتری داشته است.

عمده مشکلات و نیازهای زنان سرپرست خانوار و طبقه بندی آن

نتایج نشان می‌دهد عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانواده، مشکلات اقتصادی، ناآگاهی برای اداره امور اقتصادی خانواده، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده و نگرانی از آینده فرزندان است. زنانی که از صبح تا شب بدنبال کسب لقمه نانی برای خود و خانواده خود هستند به ناچار وقت کمی را برای فرزند ان خود باقی می‌گذارند. کم‌رنگ شدن حضور مادر در خانه، عدم تامین نیازهای عاطفی فرزندان، نداشتن نظارت کافی و مناسب بر فرزندان، آنها را در برابر انواع معضلات اجتماعی نظیر بزهکاری، اعتیاد و..... آسیب‌پذیر می‌کند. در صورتی که زنان سرپرست خانواده از حمایت‌های اجتماعی مناسب برخوردار باشند، شیوه‌های مقابله مناسب را بیاموزند و دارای منبع کنترل درونی باشند، کمترین آسیب را متحمل می‌شوند.

بطور کلی مسایل و مشکلات زنان سرپرست خانوار را می‌توان به چند دسته طبقه بندی کرد:

الف) مشکلات مادی و اقتصادی: مهمترین دغدغه فکری این زنان این است که چگونه هزینه‌های کمر شکن زندگی را تامین نمایند. تعداد کمی از این زنان شاغل هستند و از درآمد خوبی نیز برخوردارند و یا میراث قابل توجهی از همسرشان به جا مانده است. عده‌ای نیز شاغل هستند ولی درآمد چندانی ندارند و دسته سوم نیز زنانی هستند که نه شغلی دارند و نه منبع درآمدی که اکثریت زنان در این دسته جای دارند.

ب) مشکلات فرهنگی و اجتماعی: زنان سرپرست خانوار در فرهنگ ما با مشکلات متعددی روبرو هستند. از مسایل عمده‌ای که این زنان با آن مواجهند نگرش‌های منفی جامعه نسبت به آنهاست. این زنان مجبورند زیر نگاه‌های سنگین دیگران به زندگی خود ادامه دهند و با انواع تهدیدها و ناامنی‌ها مقابله کنند. وقتی سایه مردی بالای سر نباشد عده‌ای فرصت‌طلب از خللی که در خانواده پدیدار شده می‌خواهند به نفع خود استفاده نمایند و با مزاحمت‌های خود آسایش را از این خانواده‌ها سلب می‌کنند. مسئله دیگر طرد شدن از سوی فامیل و دوستان است. بسیاری از دوستان و آشنایان که تا چندی پیش با آنان ارتباط و معاشرت داشتند، بتدریج رابطه خود را با این زنان قطع می‌کنند زیرا زنان بی‌سرپرست را تهدیدی برای زندگی خود می‌دانند. بسیاری از این زنان از گرفتن و اجاره کردن مکانی برای زندگی ناتوانند زیرا به محض اینکه صاحبخانه متوجه می‌شود که خانواده فاقد سرپرست مرد است از اجاره دادن منزل خود امتناع می‌کند. طرد شدن از سوی اجتماع، دوستان و در مواردی طرد شدن از سوی خانواده، فقدان امنیت اجتماعی، نداشتن همراز و محرم اسراری برای تسکین آلام و درد‌ها واقعیت تلخی است که زندگی این زنان با آن پیوند می‌خورد.

ج) مشکلات روحی و روانی: فقر و تنگدستی، نداشتن حامی و سرپرست، طرد اجتماعی، نداشتن مسکن مناسب، نداشتن شغل و حرفه، عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی، همه و همه دست به دست هم داده و زنان سرپرست خانوار را به سمت انواع بیماری‌های روحی و روانی که برجسته‌ترین آن افسردگی است سوق می‌دهند. همچنین تعدد نقش‌هایی که برعهده دارند باعث ایجاد استرس و در نتیجه تشدید اختلالات روانی و بروز بیماری‌های جسمی می‌شود.

د) مشکلات آموزشی و مهارتی: بسیاری از خانواده‌های زن سرپرست زیر خط فقر زندگی می‌کنند، پایین بودن سطح سواد، شرایط نابرابر کار در بازار کار، تبعیض میان زن و مرد نداشتن مهارت و تخصص از جمله علل فقر این خانوارهاست. که سازمان فنی و حرفه ای جهت کاهش مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار علاوه بر اینکه برنامه هایی در گذشته جهت آموزش مهارتی فنی و حرفه ای و توانمندسازی این گروه داشته، به منظور اثر بخشی بیشتر این آموزشها با همکاری با سایر دستگاههای (دولتی و غیردولتی) برنامه ریزی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و منسجمی دارد.

عوامل مؤثر بر بروز مشکلات زنان سرپرست خانوار:

1- **فقر:** از جمله حادترین مشکلات زنان سرپرست خانوار است و دلایل بسیاری در تایید محرومیت آنان به دلیل جنسیت و در پی آن محرومیت از منابع وجود دارد. معمولاً خانوارهای با سرپرست زن از خانوارهای با دوسرپرست (زن و مرد) از نظر اقتصادی ضعیف تر هستند. این گونه خانواده ها با از دست دادن مرد خانواده نان آور خود را از دست می دهند و گاه مجبور می شوند از دیگر وابستگان نیز سرپرستی کنند. در این گونه خانوارها زنان باید به تنهایی علاوه بر سرپرستی خانواده و کسب درآمد و مدیریت اقتصادی، مواظبت از بچه ها، کارهای خانه و بهبود شرایط زندگی اعضای خانوار را نیز بر عهده بگیرند. در چنین شرایطی، از سویی وقت و انرژی کمتری برای انجام اموری چون تهیه کالاها و مواد غذایی ارزان تر یا تهیه برخی اقلام مورد نیاز خانواده در منزل دارند و از سوی دیگر آنان را مجبور به کار پاره وقت، انعطاف پذیر یا اشتغال خانگی می کند. این شرایط زنان را از آموزش و کسب مهارت باز داشته، موجب دریافت دستمزد کمتر نیز می شود. دشواری ترکیب شغل زن با مراقبت از خانواده موجب تمرکز فعالیت این زنان در بخش غیررسمی بازار کار نیز می شود. این عوامل و دیگر عوامل اجتماعی شرایط را برای فقر بیشتر زندگی خانوارهای با سرپرست زن فراهم می کند.

از دیگر دلایل فقیر بودن زنان سرپرست خانوار کم توجهی دولت ها و نبود سیاست های تأمین اجتماعی جامع و مستمری است که این خانواده ها را مورد حمایت قرار می دهد. نبود سیستم جبران کننده کسری درآمدها از طرف نهاد های دولتی یا ناچیز بودن آثار خدمات این سیستم های جبرانی بر وضعیت خانواده و به طور خلاصه محدودیت حمایت دولت و اجتماع، این زنان را به خط فقر کشانده است.

2- **منزوی شدن زنان سرپرست خانوار:** پیامدهای فرهنگی ناشی از طلاق و در مواردی شرمساری از نوع شغل سبب می شود این زنان از روابط اجتماعی و ارتباط با دیگران پرهیز کنند. البته با توجه به مسئولیت چندگانه آنان در زندگی، وقتی برای برقراری ارتباط با دیگران برایشان باقی نمی ماند. بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار احساس ضعف و ناتوانی می کنند. این مشکل در جامعه ی شهری به 59/8 درصد می رسد.

3- **توس و نگرانی از آینده مبهم و نامعلوم:** نبود تضمین برای تأمین نیازهای زندگی آتی از مهم ترین دغدغه های زنان سرپرست خانوار می باشد. در 60/2 درصد از زنان سرپرست خانوار احساس اضطراب و نگرانی از آینده وجود دارد.

4- **نداشتن مهارت های فنی و شغل:** مهم ترین دغدغه زنان سرپرست خانوار نداشتن مهارت های فنی و حرفه ای و شغل مناسب و نبود تأمین اجتماعی لازم است. به طوری که 68/8 درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی، با هیچ حرفه ای که امکان دستیابی به شغلی با حداقل درآمد را برای آنان فراهم کند آشنا نیستند. نداشتن شغل مناسب خود معلول نداشتن مهارت کافی جهت اشتغال می باشد لذا سازمان آموزش فنی و حرفه ای با همکاری سایر نهادهای حمایتی می تواند ضمن حمایت های آن سازمانها این گروه را با توانمند سازی و مهارت اندوزی به سمت احراز شغلی مناسب با درآمد مکفی و استقلال مالی سوق داده و نیاز آنها را از حمایت های سازمانهای پوشش دهنده کاهش دهد. در همین رابطه دکتر زهرا داور مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق زنان می گوید با استناد به قانون اساسی، حمایت های شغلی و بیمه ای از زنان سرپرست خانوار وظیفه حاکمیت می باشد ایشان اذعان می دارند که قانون گذار دولت را مکلف نموده که علاوه بر حمایت بیمه ای از زنان سرپرست خانوار زمینه اشتغال و آموزش فنی و حرفه ای را نیز برای آنها مهیا نماید همچنین سازمانهای مردم نهاد می توانند هم به عنوان بازروی مشورتی دولت در اجرای قانون کمک کنند و هم زمینه ساز توانمند سازی زنان در ابعاد مختلف باشند.

5- **ناکافی بودن حمایت های مالی و معنوی دولت:** این امر سبب شده تا زنان در بخش خصوصی و غیررسمی از جمله انجمن های خیریه امرار معاش کنند

6- **محدودیت خدمات بیمه ای و نبود تأمین اجتماعی کافی جهت تمامی زنان سرپرست خانوار:**

هم اکنون 235 هزار زن خودسرپرست و سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار دارند که از این تعداد 150 هزار نفر مستمری دریافت می کنند و بقیه زنانی هستند که بازتوان شده از خدمات بیمه ای مانند دفترچه بیمه درمانی بهره مند می باشند.

با توجه به آنچه گفته شد، می توان به صورت خلاصه برخی از مهم ترین عوامل مؤثر در بروز مشکلات زنان سرپرست خانوار را چنین برشمرد:

الف- نبود دید مثبت برای ازدواج مجدد.

ب- نگاه ها، گرایشات نادرست بعضی از مردان طماع برای بهره مندی موقت و آسان از این زنان.

ج- درگیری پیرامونی با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و رهاشدن زن با کوله باری از مشکلات.

د- نبود قدرت تأمین نیازهای مالی و مادی فرزندان.

ه- نبود پیش‌تیبان عاطفی- روحی برای تداوم زندگی و در نتیجه پدید آمدن انواع بیماریهای افسردگی برای این زنان.

و- پدید آمدن بحران‌های عاطفی و روانی در محیط خانواده توسط فرزندان و غیره آنهم به میزان وابستگی به پدر خانواده.

ط- ناامن بودن جامعه و رشد روزافزون نگرانی‌ها و مشکلات خاص زنان سرپرست خانوار.

ی- مشکل دسترسی به شغل مناسب

ک- نداشتن مهارت کافی جهت اشتغال و مشکلات ارتباطات خاص اجتماعی.

گ- نداشتن مهارت کافی در هماهنگی میان تامین زندگی خانواده با تربیت فرزندان و بروزرگاستی‌هایی در تربیت اخلاقی و اجتماعی

فرزندان و ناتوانی در حمایت از فرزندان در هنگام بروز مشکلات و کاهش ارتباط درست و مداوم با آنان.

ل- ناتوانی در تهیه مسکن مناسب برای زندگی و در نتیجه سرگردانی در دوران سالخوردگی که نیاز به استراحت و آرامش است.

م- نبود سازوکارهای لازم و مناسب حمایتی از سوی دولت و دستگاه‌های اجرایی .

زندگی زنان پس از ترک شوهر (به دلیل فوت، طلاق و...) غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبه‌روست؛ از جمله سرپرستی فرزندان

بنتهایی و گاه بسختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به

زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان، آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌کند. با توجه

به روند رو به افزایش شمار زنان سرپرست خانوار در سال‌های اخیر در نتیجه افزایش میزان طلاق در جامعه، لزوم توجه بیشتر به

این قشر از افراد جامعه، ملموس‌تر است.

پیامدهای مشکلات زنان سرپرست خانوار:

- روی آوردن به جرم و فساد برای تامین نیازهای مالی زندگی، به طوری که امروزه اکثر زنان خیابانی را این گروه اجتماعی تشکیل می‌دهند.

- ایجاد انحراف و اختلال در تربیت نیروهای فعال و جوان جامعه .

- افزایش تعداد خانواده‌های ناآرام و ایجاد اختلالات روانی و جمعی در اعضای خانواده .

- گسترش فقر مادی بواسطه نداشتن شغل و مهارت‌های فنی کافی و فرهنگی در جامعه.

راهکار های حل مشکل

امروزه زنان سرپرست خانوار نیازمند حل دو مشکل شامل حل گذشته دردناک خود و تضمین آینده هستند.

– سلامت جسمی زنان سرپرست خانوار

مطالعات و بررسی هایی به منظور سنجش میزان سلامت جسمی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی صورت گرفته و نتایج آن نشان داد 41 درصد آنان از سلامت جسمانی برخوردار نمی باشد و ما بقی (59 درصد) دارای سلامت جسمانی می باشند.

داده های به دست آمده نشان داد اغلب زنان بیمار، بین 1 تا 4 سال با مشکل جسمی خود دست و پنجه نرم می کرده اند. همچنین نتایج توصیفی نشان داد زنان شاغل سرپرست خانوار از سلامت جسمی بیشتری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردار بودند.

– سلامت روانی زنان سرپرست خانوار

بر اساس یافته های به دست آمده، 37 درصد (بیشترین میزان) کل زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه از نظر وضعیت سلامت روانی در شرایط متوسطی قرار داشته اند. حدود 32 درصد در وضعیت خوب و خیلی خوب و 31 درصد در حالت نامناسبی از نظر سلامت روانی قرار داشتند.

نتایج توصیفی سلامت روانی بیانگر این مطلب بود که زنان شاغل سرپرست خانوار از سلامت روانی بیشتری نسبت به زنان غیر شاغل برخوردارند که شاغل بودن به دلایلی، نظیر تأثیر روحی و روانی آن و ایجاد احساس همدردی در زنان سرپرست خانوار، بخصوص زمانی که فعالیت ها در قالب گروه های همیار انجام می شود، افزایش میزان سلامت روانی را برای آنان به همراه دارد.

– سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار

بر اساس نتایج حاصله، 5/39 درصد (بیشترین میزان) کل زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه، از نظر وضعیت سلامت اجتماعی در شرایط متوسط، حدود 35 درصد در شرایط ضعیف و مابقی زنان (5/25 درصد) در حالت مناسبی از نظر سلامت اجتماعی قرار داشتند.

داده های گردآوری شده نشان می دهد زنان شاغل سرپرست خانوار از سلامت اجتماعی بیشتری نسبت به زنان غیر شاغل برخوردارند. به نظر می رسد دلایلی نظیر افزایش مشارکت اجتماعی، افزایش مشارکت در آموزش پذیری ومهارت آموزی، افزایش همبستگی اجتماعی و بالا رفتن میزان پذیرش اجتماعی زنان سرپرست خانوار باعث این امر شده است. پس دولت با توانمند سازی این گروه از طریق آموزشهای فنی و حرفه ای می تواند شرایط اشتغال را برای آنها تسهیل نماید.

برای حل مشکلات زنان سرپرست خانوار پیشنهاداتی به این شرح مطرح است:

1- تمرکز کلیه امور مالی و حمایتی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در یک سازمان ضروری به نظر می‌رسد، زیرا باعث تمرکز کلیه فعالیت‌های حمایتی و توانمندسازی شده و مانع از موازی‌کاری‌ها می‌شود.

2- تمرکز کلیه امور حرفه‌آموزی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در یک سازمان بویژه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بعنوان تنها متولی آموزشهای کوتاه مدت مهارتی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا باعث تمرکز کلیه فعالیت‌های مهارت‌آموزی و توانمندسازی شده و مانع از موازی‌کاری‌ها می‌شود.

3- بانک اطلاعاتی زنان سرپرست خانوار در کشور: برای تدوین و تهیه طرح‌ها و قوانین و برنامه‌ریزی‌های مناسب به منظور بهبود وضعیت زنان سرپرست خانوار، تهیه آمار و اطلاعات دقیق و جامع از تعداد و وضعیت آنها و به روز کردن و پالایش اطلاعات ایجاد شود.

4- فرهنگ سازی مناسب در جهت ازدواج زنان سرپرست خانوار مطلقه، بیوه و زنان خودسرپرست انجام و موانع آن رفع شود چرا که یکی از بیم‌هایی که این زنان دارند ترس از تنهایی در آینده است قوانین شاید بتوانند این زنان را از جهت اقتصادی توانمند سازند، اما از جهت عاطفی قادر به توانمندسازی نیستند.

5- حمایت از ایجاد و توسعه تشکلهای غیردولتی توسط زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنان برای کمک به زنان سرپرست خانوار مثل تعاونیها ضرورت دارد.

نقش آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بعنوان یک آسیب اجتماعی :

نیاز اقتصادی مهم ترین مسأله در زندگی زنان سرپرست خانوار است. این زنان در صورتی که فاقد مهارت و از لحاظ تحصیلات در سطح پایینی باشند و حتی وضعیت اقتصادی آنها بعد از فوت، ترک، طلاق و حتی از کارافتادگی در سطح پایینی باشد، مطمئناً بیشترین آسیب‌ها به سمت آنها روی می‌آورد. معمولاً زنان سرپرست خانوار با اشتغال به کار بخش عمده ای از مشکلات روحی - روانی و مالی را که پیش روی آنهاست، برطرف می‌نمایند آنچه مسلم است در ایران به دلایل متعدد از جمله کمبود سواد، مسائل جنسیتی، تبعیضی، فقر و تنگدستی، عدم داشتن مهارتهای فنی و حرفه‌ای کافی، سودجویی بواسطه عدم انجام کارهای سخت و..... غالباً از بکارگیری زنان در مشاغل مختلف ازسوی کارفرمایان احمال کاری می‌گردد و این موضوع با ورود زنان سرپرست خانوار به مقوله کار و بازار کار دوچندان می‌شود لذا با بررسی‌های میدانی مشخص گردیده که در بین همه این دلایل نداشتن مهارت در احراز شغل و نیز تثبیت آن بسیار موثر و مهم است لذا سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مضاف بر آنکه ارائه آموزشهای مهارتی فنی و حرفه‌ای مختلف را در دستور کار خود قرار داده بصورت ویژه اقدام به

شناسایی مشاغل خانگی و کم هزینه نموده تا ضمن فعال سازی این قشر در محیط خانواده زمینه دوری آنان را از تهدیدهای محیطی فراهم سازد فی الواقع ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاوه بر ایجاد و تقویت و ارتقاء فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار در موارد ذیل می‌تواند بسیار تاثیر گذار باشد.

- فراهم آوردن زمینه‌های فعالیت‌های اجتماعی و شغلی جهت پدید آمدن احساس ثمربخش بودن و اعتماد بنفس، عدم اطاله عمر، استفاده از فرصت‌های به دست آمده برای خدمت هر چه بیشتر در راه خداوند و خلق او.

- ارتقاء آگاهی‌ها و آموزش خانواده، زنان و دختران در خصوص وقوع بحران‌هایی مانند بیوه‌گی، ازکارافتادگی همسر و ... به منظور بالا بردن قدرت مدیریت زنان در مقابله با این گونه بحران‌ها (توانمند کردن زنان و دختران برای مقابله با بحران‌های خانوادگی از جمله از دست دادن همسر و پدر ...)

- حمایت مسئولین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور ارائه خدمات آموزشی، فنی، مهارتی و مشاوره ویژه برای حل مشکلات فرزندان این گونه خانواده‌ها و تامین نیازهای عاطفی و آموزشی آنان.

- توانمند سازی زنان سرپرست خانوار در عرصه‌های مختلف شغلی، فرهنگی، اقتصادی و

- توانمند سازی فرزندان زنان سرپرست خانوار.

- شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمد زا به منظور اختصاص وقت کافی برای تربیت فرزندان.

- اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی امنیت زن در محیط کار و در عرصه‌های دولتی و غیردولتی.

- شناسایی زنان کارآفرین و زنان شاغل سرپرست خانوار و اولویت در اعطای تسهیلات به آنان .

- اعطای تسهیلات به دانش‌آموختگان زن در جهت اشتغال آنان و زنان سرپرست خانوار .

- ضرورت تأسیس صندوق حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانواده در جهت ایجاد استقلال و خودکفایی و فعال کردن گروه‌های همیار زنان بی سرپرست .

- تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های حمایتی و خدمات رسانی به زنان سرپرست خانواده با اهداف کاریابی، گذران اوقات فراقت و تبادل تجربه و اطلاعات، مدیریت بحران‌های خانوادگی ایشان و....

در همین راستا می‌توان به سخنان وزیر محترم کار و امور اجتماعی اشاره نمود

توانمند سازی زنان با آموزش های فنی و حرفه ای

وزیر کار و امور اجتماعی گفت: دولتهای غربی با تزریق میلیاردها دلار سعی کردند تا خود را از ورطه سقوط نجات دهند و مانع آسیب های جدی تر اقتصادی شوند، اما اقتصاد کشورهای کوچکتر که از منابع مالی کافی برای جبران خسارات بهره مند نیستند، کماکان با عواقب فلج کننده این بحران دست و پنجه نرم می کنند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، عبدالرضا شیخ الاسلامی در جمع وزیران کار کشورهای آسیا و اقیانوسیه، گفت: افزایش اعطای اعتبار به بنگاههای کوچک و متوسط اقتصادی حرکت دیگر ایران در جهت تقویت روند اشتغال زایی در کشور بوده است .

وی ادامه داد: از یک میلیون و 800 هزار اعتبار تخصیصی در این زمینه بیش از 230 هزار مورد به زنان اعطا شده همچنانکه تمام زنان روستایی را در سراسر کشور تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار داده است .

وی افزود: دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاستهای توسعه اشتغال و توجه به اقشار آسیب پذیر و بویژه در پاسخ به خطرات احتمالی بحران مالی جهانی، سیاستهای شغلی و تامین اجتماعی ویژه ای را در چند سال اخیر پیگیری کرده که از آن جمله می توان به طرح حمایت و توسعه مشاغل خانگی اشاره کرد .

وزیر کار افزود: طرح یادشده به زنان ایرانی و بویژه به زنان سرپرست خانوار در شرایط کنونی اقتصادی کمک ارزنده ای محسوب می شود. شیخ الاسلامی تصریح کرد: در تحولی دیگر طرح دولت برای هدفمند کردن یارانه ها بطور جدی در دستور کار است. طرحی که به موجب آن ضمن اصلاح ساختار اقتصادی، هدایت و تخصیص هدفمند یارانه ها به اقشار کم درآمد را در نظر دارد .

وزیر کار توزیع سهام و سود شرکتهای سودآور دولتی تحت عنوان "سهام عدالت" به کارگران و معلمان و زنان سرپرست خانوار و سایر اقشار آسیب پذیر را از دیگر اقدامات دولت در تسری پوشش حمایتهای اجتماعی و فقرزدایی دانست .

وی در مورد مسایل اقتصاد جهان گفت: بحران مالی سال گذشته در جهان که ریشه در زیاده خواهی نهادهای مالی و اعتباری غرب داشت، به سرعت اقتصاد کشورهای در حال توسعه را در هم نوردید و آسیب های جدی بسیاری را متوجه آنها کرد .

به گفته شیخ الاسلامی، بسیاری از کشورها که هیچ نقشی در ایجاد این بحران نداشتند به دلیل اتکای تنگاتنگ به اقتصاد کشورهای صنعتی غرب آسیب فراوانی دیدند .

وی اضافه کرد: دولتهای غربی با تزریق میلیاردها دلار سعی کردند تا خود را از ورطه سقوط نجات دهند و مانع آسیب های جدی تر اقتصادی شوند، اما اقتصاد کشورهای کوچکتر که از منابع مالی کافی برای جبران خسارات بهره مند نیستند، کماکان با عواقب فلج کننده این بحران دست و پنجه نرم می کنند .

وی افزود: در این میان اقشار کم درآمد این کشورها، بیشترین ضربات را از روند جهانی شدن ناعادلانه متحمل شده اند. در بسیاری از کشورهای آسیا و اقیانوسیه زنان بویژه زنان سرپرست خانوار، سالمندان، کارگران موقت و روستائیان بخش وسیعی از جمعیت را تشکیل می دهند و بطور عام در بخشهای غیررسمی و مناطق کشاورزی به کار اشتغال دارند آنها با درآمدی کمتر از دو دلار در روز نقش اندکی در تولید ناخالص ملی کشورهایشان ایفا می کنند .

وزیر کار گفت: این گروه از مردم بیش از سایر اقشار تحت تاثیر بحرانهای مالی و اقتصادی مخرب جهانی که عوامل آن در دست کارتهای اقتصادی و شرکتهای بزرگ چند ملیتی است می گیرند. حقیقت آن است که برای تامین نیازهای انسان منابع به اندازه کافی وجود دارد اما برای جلوگیری از زیاده طلبی و حرص و آز دنیا طلبان هیچ منبعی یافت نمی شود .

وزیر کار تصریح کرد صحبت از جهانی عادلانه برای مستضعفان بدون اشاره به دشواری غیرقابل تحمل که مردم مظلوم فلسطین در مواجهه با بی رحمی آشکار رژیم صهیونیستی با آن روبرو هستند ممکن نیست. وظیفه همه است که در این شرایط دشوار حمایتهای معنوی و مادی خود را از مردم فلسطین دریغ نکرده و آنان را برای پایان اشغال و انزوا یاری کنیم

در پایان راهکارهای پیشنهادی جهت کاهش مشکلات زنان سرپرست خانوار ارائه می گردد :

- مشاوره فردی و گروهی با هدف آموزش به آنها جهت خود شناسی، پذیرش تواناییها، قابلیتها و محدودیتهای خود و بالا بردن اعتماد به نفس در آنها.

- آموزش مهارتهای فنی و حرفه‌ای و اشتغالیابی در جهت خود کفایی و استقلال این زنان از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی.

- ارائه خدمات خاص مدد کاری و مشاوره نظیر حمایتهای حقوقی، آموزشی و حرفه‌ای در زمینه کاریابی، اسکان موقت و حمایتهای بیمه‌ای.

- دادن وام و تسهیلات لازم پس از توانمند سازی جهت فراهم کردن وسایل اولیه کار مانند چرخ خیاطی، لوازم آرایشگری و غیره جهت کار در منزل.

- تامین مسکن متناسب با وضعیت خانواده.

- تغییر نگرش نسبت به زنان و توانمند یهای آنان با همکاری رسانه‌های جمعی.

- برپایی بازارچه‌های خیریه به منظور عرضه محصولات و صنایع دستی آنها به عموم.

نتیجه:

زنان سرپرست خانوار از سلامت جسمی پایین تری نسبت به سلامت روانی و اجتماعی برخوردار هستند. با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای ذیل راهگشای انجام فعالیت ها و اقدامات بیشتری در خصوص افزایش سلامت زنان سرپرست خانوار خواهد بود.

1- افزایش تعداد گروه های همیار زنان سرپرست خانوار، به منظور بالابردن میزان اشتغال و سلامت روانی و اجتماعی آنان به دلیل حس همدردی، که در گروه های شاغل به خوبی به چشم می خورد.

2- فراهم کردن شرایطی برای توانمند سازی زنان سرپرست خانوار از راه های مختلف؛ از جمله آموزش های فنی و حرفه ای و افزایش میزان تسهیلات اشتغال.

3- با توجه به مشکلات جسمانی، تقریباً نیمی (43 درصد) از زنان سرپرست خانوار و مبتلا بودن آنان به بیماری های روان تنی همچون دیسک کمر و...، پیشنهاد می گردد: سازمان آموزش فنی و حرفه ای آموزشهای خود را بر اساس شرایط جسمی، روحی و روانی این قشر متناسب سازد و تسببت به برنامه ریزی جهت توانمندسازی آنان از طریق ارائه آموزشهای فنی و حرفه ای برای تصدی مشاغل مناسب و با درآمد کافی، اقدام نماید.

منابع:

(1) <http://www.jahannews.com/vdciyzazvt1arr2.cbct.html>

(2) وحیدی، قاسم- آسیب های اجتماعی و راه های برون رفت از آن

(3) <http://www.women.gov.ir/>

(4) مجله علمی پژوهشی فصلنامه خانواده پژوهی زمستان 1384

(5) خسروی زهره (1380) بررسی آسیب های روانی-اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه ی علوم انسانی دانشگاه الزهرا،

شماره 39، تهران: 71-92